
ترانه
امید
عالم انسانی را دو بال است یک بال ذکور و یک بال اناث

"این مشروع خطیر بینهایت مفید و از لوازم
ضروریه جامعه در این ایام محسوب"
از بیانات مبارکه حضرت ولی امرالله"
راجع بنقشه چهار ساله اماءالرحمن

* ترانــــه امیـــد *

(نشریه لجنـــه ملی ترقی نسوان)

شماره سوم ـ سال سوم	شهرالاسماء ـ شهرالکمال	مرداد ـ شهریور
(۳)	۱۰۷	۱۳۲۹

فهرست مندرجات :

از الواح و آثار مبارکه حضرت عبدالبهاء ارواحنا لرمسه الاطهر فداء

هو الله

ای ورقات سدره توحید شکر حضرت ایزد را که در ظل شجره احدیت وارد گشته و از اثمار حدیقه هدایت مرزوق شدید و بلحاظ عنایت منظورید و بانواع موهبت محظوظ و بخصائص الطاف مخصوص جمیع پانسوهای عالم محروم و شما محرم را زحضرت قیوم آنان در حضیض حرمان و شما در اوج عرفان آنان مأیوس از رحمت و شما مأنوس بموهبت آنان در گرداب موهوم مستغرق و شما در ساحل معلوم مستخلص پس وجد و سرور کنید و شوق و شور بخواهید وجذب و حضور طلبید اشراق شدید است و آفاق روشن وید ید نفوس خلق جدید است و قرون قرن خداوند مجید قصور سبب فتور است و خاموشی سبب فراموشی پس ناطق باشید و صادق پرشور گردید و پروله تا حقیقت چون شمع در انجمن برافروزد

ع ع

---- * ----

ترجمه قسمتی از لوح منیع "ظهور عدل الهی" که بافتخار احبای غرب نازلشده

جمهور احباء چه هنگام معاشرت و مراوده با افراد جامعه بهائی و چه در تماس با اهل عالم باید تقوی وتقدیس را سرمشق روش و رفتار خویش قرار دهند نفوسیکه مقام پرافتخار اشاعه پیام الهی و اداره امور امریه را حائزند باید مجهودات شایان ومساعی مستمر آنان باین دو صفت مجهز و آراسته باشد تقوی وتقدیس باید در کلیه شئون زندگانی پیروان این آئین چه در سفر و چه در حضر چه در مجامع وکلوبها وضیافات و چه در مدارس و دارالعلمهای آنان بنحو اکمل وبتمام معنی منظور و مراعات گردد در اجرای کلیه امور اجتماعی مدارس تابستانی بهائی وهمچنین در سائر مواقع که زندگی اجتماعی بهائی دایر و برقرار است یاران باید تقوی وتقدیس را مخصوصا مطمح نظر خویش قرار دهند جوانان بهائی باید در انجام وظائف و مأموریت خویش همواره مظهر تقوی وتقدیس باشند واین دو صفت در حیات جامعه بهائی وترقی وخط مشی آتیه جوانان کشورشان عامل مؤثری بشمار رود •

این تقوی وتقدیس فقط عبارت از عفت ــ طهارت ــ حسن رفتار ــ تنزیه افکار ــ وعدم افراط در اکل وشرب نیست بلکه باتسویه شامل رعایت اصل اعتدال در جمیع شئون مربوط بطرز لباس وتفریحات وکالمات وکلیه فنون ادبی وصنائع مستظرفه میباشد • این صفات مستلزم مراقبت ومواظبت مستمر برای غلبه بر هواهای نفسانی وآمال شیطانی است وازضروریات تقوی وتقدیس همانا ترک حرکات ورفتار سخیفه است این قبیل حرکات یا تفریحات مبتذله که اغلب از طریق صواب منحرف میگردد دارای تعلق وارتباط تامی است ونیز اجتناب کامل ازکلیه مشروبات الکلی وافیون وسایر مواد مخدره ئیکه تولید عادت مینماید از لوازم تقوی وتقدیس محسوب • تضییع سوء استعمال ادبیات وفنون مستظرفه ــ اختیار ازدواجهای آزمایشی ومرام عدم استتار بدن ــ خیانت در روابط زناشوئی وانواع اختلاط وارتباطات نامشروع وسیئات شهوانی کل منافی ومخالف اصول تقوی وتقدیس است موافقت ومماشاة باعقاید وموازین وعادات ورسوم ورویه های افراطی چنین عصریکه راه تدنی وانحطاط میپیماید خارج از صراط تقوی وتقدیس است بلکه برعکس تقوی وتقدیس همواره میکوشد که بوسیله قوه محرکه مثلیلش ضراین عقاید وخطای این موازین وسخافت این دعاوی وسقم این عادات ولوث این رویه های افراطی را واضح ومبرهن سازد •

ضمناً خاطر یاران را متذکر میدارد که مبادا احراز چنین مقام شامخی در روش اخلاقی با انواع عزلت و ریاضات و یا مرام پیروان سورتیانهای افراطی و متعصب که فقط بمصرف اخلاق و روحانیت اکتفا مینمایند مشتبه و توأم گردد مبادی و اصولی که حضرت بهاءالله وضع فرموده اند بهیچوجه حق مشروع احدی را نسبت بتمتع و استفاده کامل از لذات و مسرات و زیبائی بی پایانیکه خالق مهربان عالم امکان را بحد وفور بدان مزین فرموده سلب نمینمایند •

---*---

منتخباتی چند از آثار حضرت حرم روحیه خانم

راجع به اعانات و تبرعات ـ نقل از اخبار امری

شماره ۱۱ سال ۱۰۶ بدیع

۱ ـ جمیع ما واقفیم که هرگاه تحفه ئی بیکی از رفقای خویش تقدیم داریم و آن هدیه بحسن قبول فائز شود و مخصوصاً اگر مورد احتیاج آن دوست هم باشد از این عمل احساس سرور و رضایتی در خود مینمائیم • حال اگر هدیه ئی بامر الهی تقدیم نمائیم برچه منوال خواهد بود یقین است هر وجهی که بامر تقدیم گردد اهم از آنکه مبلغ زهید یا وفیر باشد بمصرف حقیقی خود خواهد رسید زیرا منزه از هرگونه اغراض و خودخواهی است و این وجوه در سبیل خیر و سعادت عالم انسانی صرف میشود و در نتیجه امرالله باجرای وظائف و تنفیذ نقشه ها و نشر معارف و مطبوعات و انشای ابنیه و مؤسسات خویش توفیق خواهد یافت و این موفقیت و نجاح بمنزله چراغ امید در سرراه عالم پریشان و مأیوس قرار خواهد گرفت •

۲ ـ من مطمئنم هر قدر یکفرد بهائی کم بضاعت باشد اگر از کیسه ناچیز خود چیزی از برای مصارف امری بدهد این عمل در درگاه الهی مقبول و در پیشگاه حق جل جلاله بسیار گرانبها و نفیس است •

۳ ـ این برگ سبز و تحفه نفیس مرا بیاد بهائی عزیزی آورد که حال صعود نموده و از اماءالرحمن شیکاگو بود • بسیاری از احباء از مطالعه این داستان آن روح پاک را بخاطر خواهند آورد • مشارالیها تنها در محله فقیری از شهر زندگی مینمود و معیشت خویش را از طریق تعلیم پیانو اداره میکرد و آنچه از این ممر ضعیف بدست می آورد کافی بود که او را زنده نگاه دارد و همواره با ضعف مزاج همدم و قرین باشد و شاید بنظر من قوت کافی هم به بدن او نمیرسید • در اوانی که جامعه بهائی بکمال همت مشغول ساختمان ـ پوشش خارجی مشرق الاذکار جهت تزیینات بود این متصاعده عزیز هم وسیله ئی از برای تحصیل عایدی و تقدیم آن بمشرق الاذکار نداشت بوالده من اظهار نمود راهی از برای تقدیم اعانه یافته است اکنون برای حضور در سر درسهای پیانو بجای اینکه با اتوبوس حرکت نماید پیاده عازم میشود این فداکاری از طرف خانمی نحیف و ضعیف المزاج در سنی قریب بکهولت که غالباً هم مبتلا به نقاهت بود بهیچوجه با کمیت و مقدار مبلغ قلیلی که ذخیره مینمود و مدتهای مدید مرتباً بصندوق مشرق الاذکار تقدیم میداشت قابل مقایسه نیست • آن قسمت از ساختمان مشرق الاذکار تمام شد ولی آن متصاعده الی الله اکمال آنرا بچشم ظاهر مشاهده ننمود • روزی اظهار داشت که دیگر عنان صبر از کف داده و میخواهد به ویلمت بشتابد و مشرق الاذکار را زیارت نماید

همینکه چشمانش از مشاهده ساختمان معبد روشن شد تنها چیزی که خطاب به مشرق‌الاذکار برزبان راند آن بود که "معبد عزیز و محبوب من" حال آیا هیچکس ممکن است تردید نماید در اینکه تبرعات آن امه موقنه چقدر بر مواهب و فیوضات روحانیه ئیکه از آن معبد ساطع میشود افزوده است؟ ما غالبا میگوئیم "اهمیت در کاری نیست که انجام میدهیم بلکه در کیفیت و نحوه عمل است" و یا اینکه "اهمیت در آنچه میگوئیم نیست بل در طرز گفتار و بیان است" حال این لحن هم بهمان اندازه صحیح و بجا است که "اهمیت در آنچه تقدیم مینمائیم نیست بلکه اهمیت در آنست که چگونه و بچه نحو آن اعانه را تقدیم نموده ایم".

*

اهمیت نقشه چهارساله

هرچند حضرات اماء الرحمن و دوشیزگان عزیز بهائی ایران از پرتو علم و معرفت و تعلیم و تربیت بهره وافر داشته در تشکیلات و مؤسسات و ادارات بهائی وارد و دوش بدوش رجال بانجام خدمات و وظائف مهمه امریه مشغول و مألوف بوده و هستند ولی از آنجائیکه ممکن است بین اماء الرحمن که از ادیان سایره باین آئین نازنین وارد و بشرف ایمان بشریعت غرای حضرت رب العالمین فائز شده و یا در نقاطیکه فاقد مدارس و فرهنگ است ساکن میباشند احیانا نفوسی یافت شوند که از نعمت سواد (خواندن و نوشتن) بی بهره باشند و این موضوع در جامعه بهائی که یکی از تعالیم اساسیه اش تساوی حقوق رجال و نساء و اهمیت به ترقی و پیشرفت اماء الرحمن است شایان توجه کامل میباشد لهذا در نقشه چهارساله ترقی نسوان که مورد عنایت و الطاف فراوان مولای مهربان واقع گشته و اجرایش را "از لوازم ضروریه جامعه در این ایام محسوب" فرموده اند تشکیل کلاسهای تعلیم سواد پیش بینی و تصریح شده است.

لجنه ملی ترقی نسوان بنمایندگی از اماء الرحمن عزیز ایران از عموم احبای الهی مخصوصا محافل مقدسه روحانیه بنهایت تأکید تقاضا دارد همانگونه که قاطبه نسوان بهائی ایران در اجرای نقشه چهل و پنجماهه هجرت وحدت جامعه را در مد نظر داشته مادة و معنا قلبا و ظاهرا لسانا و قلما با رجال اشتراک مساعی نمودند آنان نیز اجرای مواد مصوبه نقشه چهارساله ترقی نسوان را مورد توجه مخصوص قرار داده با حضرات اماء الرحمن کمال مساعدت و همکاری فرموده مخصوصا در رفع بیسوادی از جامعه نسوان تمهیدات لازمه و تدبیرات مفیده و اقدامات جمیله معمول فرمایند چنانچه محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شید الله بنیانه نیز در سنه حالیه علاوه بر راهنمائی ها و ابراز موافقت هائیکه همواره از بدو شروع نقشه چهارساله در سبیل تنفیذ و اجرای این نقشه جلیله مبذول فرموده اند سه نفر از اعضای خود را بمنظور مساعدت و همکاری بیشتری بعضویت این لجنه منصوب و بدین وسیله با کمکهای فکری و عملی خویش بیش از پیش در پیشرفت این مشروع خطیر بذل مساعدت فرموده جامعه نسوان بهائی ایران را قرین امتنان مراحم خویش فرموده اند. امید وطید از درگاه رب مجید آنستکه این مسئول مورد اجابت و قبول آن امنای الهی واقع گشته نوعی فرمایند که تا پایان مدت مقرره در بین اماء الرحمن کمتر از چهل و پنج سال کسیکه از نعمت سواد محروم باشد یافت نشود.

تاریخ حیات وجانبازی رستم علی (زینب)

نقل ازکتاب " تلخیص تاریخ نبیل "

از جمله زنانی که در قلعه جناب حجت بودند زنی دهاتی موسوم بزینب بود مشارالیها مسکنش در ده کوچکی نزدیک زنجان بود ایمانش باعلی درجه قوت ودر شجاعت بی نظیر ودارای صباحت وجه بود وقتیکه دید برادران دینی او دچار مشقات وصدمات هستند باکمال شجاعت تصمیم گرفت که بنصرت آنها قیام کند ازاین جهت خود را بلباس مردان بیاراست ودر هنگام هجوم اعداء با اصحاب شرکت میکرد ودشمنان را متفرق میساخت جبه ای در بر وکلاهی برسر گذاشته بود موهای سرخود را چیده بود شمشیری حمایل داشت زرهی برتن کرده بود وتفنگی بردوش انداخته با این هیئت همراه اصحاب دفاع میکرد جزو جنگجویان سنگر بود همه اورا مرد میپنداشتند بمحض اینکه دشمنان گلوله میانداختند زینب باکمال شجاعت شمشیر خود را میکشید وبه قلب لشکر دشمن هجوم کرده فریاد یا صاحب الزمان برمیآورد واعتنائی بصفوف لشکر نداشت دوست ودشمن از مشاهده شجاعت وجرأت وسرعت مشارالیها که بی مثل ونظیر بود متحیر بودند هروقت بدشمنان حمله میکرد همه بانهایت خوف وبیم از جلو شمشیرش فرار میکردند ومیگفتند این غضب الهی است که برما نازل شده باکمال ناامیدی از شمشیر زینب فرار کرده سنگرها واستحکامات خود را خالی میگذاشتند جناب حجت از میان یکی از برجها مراقب حرکات دشمن بودند دراین بین زینب را مشاهده فرمودند که بدشمنان حمله کرده وبدفاع مشغول است سربازان دشمن را دیدند که روبفرار نهاده اند و زینب آنها را تعقیب مینماید جناب حجت اورا شناختند واز شجاعتش در عجب شده باصحاب فرمودند بگوئید برگردد ودشمنان را تعقیب نکند وقتیکه دیدند مشارالیها بگلوله هائیکه اطرافش میبارد اهمیت نمیدهد فرمودند اینگونه اقدام و شجاعت ازهیچکس وهیچ مردی تاکنون ظاهر نشده ازاو پرسیدند که مقصود تو ازاین رویه چیست زینب بگریه افتاد وگفت وقتی دیدم برادران من گرفتار سختی ومشقت هستند از شدت اندوه و غصه قلبم مجروح شده قوه باطنیه مرا وادار کرد که بنصرت آنان قیام کنم نتوانستم تصمیم خود را تغییر بدهم از طرفی هم میترسیدم که شما بمن اجازه ندهید که با برادران دینی خود کمک کنم جناب حجت فرمودند تو باید زینب باشی حتما خود او هستی عرض کرد بلی من زینب هستم وهیچکس جز شما تاکنون بحقیقت حال من اطلاع پیدا نکرده شما را بحضرت باب قسم میدهم که مرا ازاین موهبتی که بالاترین مواهب محسوب است بی نصیب نفرمائید یگانه آرزوی من درزندگانی این است که بشهادت نائل شوم جناب حجت از طرز رفتار ولهجه گفتار مشارالیها متأثر شدند فرمودند مطمئن باش من پیوسته درباره تو دعا میکنم و بواسطه شجاعت وقوت قلبی که داشت زینب را رستم علی نام نهادند وبا وفرمودند امروز روز قیامت است روز کشف اسرار است روز آشکار شدن رموز است خداوند باعمال نظر دارد وبقلوب متوجه است بصورت ظاهر نظر نمیفرماید خواه زن باشد خواه مرد ان الله ینظر الی قلوبکم ولا ینظر الی صورکم اگرچه دختر جوان کم تجربه هستی ولی در شجاعت وقوت قلب در میان مردان هم نظائر تو قلیلند اینک برو مشغول دفاع باش واصحاب رانصرت بکن وبرخلاف فرائض دین مبین رفتار منما

ما مأمور بجهاد نیستیم فقط باید از خودمان دفاع کنیم و جلو هجوم معاندین خائن را بگیریم مدت پنج ماه رستمعلی با کمال شجاعت و قوت قلب بی نظیر خود بخدمتی که باو رجوع شده بود ادامه داد نه در بند خواب بود و نه در فکر راحت و خوراک بعضی از اشخاص متردد که چنان شجاعت بی مثل و مانندی را از او مشاهده کردند متذکر شدند و بتدارک مافات قیام نمودند رستمعلی همیشه شمشیرش حمایل بود گاهی که میخوابید زره برتن داشت و شمشیرش در پهلویش بود هر یک از اصحاب موظف بودند که در جای معینی که برای آنها تعیین شده بود قرار بگیرند و به حراست و دفاع بپردازند ولی رستمعلی جای معینی نداشت هرجا میخواست میرفت مراقب بود که دشمن بکدام نقطه هجوم میکند فوراً خود را بکمک اصحاب درهمان نقطه میرساند دائما درمقدمه مدافعین قرار میگرفت و باصحاب نصرت میکرد در اواخر حال که چندان از عمر رستمعلی باقی نمانده بود دشمنان براز او پی برده بودند و با آنکه فهمیده بودند کسیکه بآنها حمله میکند و هجوم آنانرا دفع مینماید مرد نیست زن است معذلک از او خیلی میترسیدند بمحض اینکه فریاد رستمعلی بلند میشد قلب دشمنان مملو از خوف میگشت و همه دست و پای خود را گم میکردند. یکروز رستمعلی مشاهده کرد که جمعی از دشمنان عدهٔ از اصحاب را احاطه کرده اند با نهایت سرعت بحضور جناب حجت رفت و خود را بپای آن بزرگوار انداخت و با تضرع و گریه عرض کرد اجازه بدهید بکمک آنها بروم من میدانم که چیزی از عمرم باقی نمانده شاید بروم و بشهادت برسم از شما رجا دارم تقصیرهای مرا ببخشید و در نزد مولای محبوبیکه جان خود را برای او فدا میکنم از من شفاعت کنید جناب حجت از شدت تأثر جوابی نفرمودند و سکوت کردند زینب سکوت جناب حجت را علامت رضایت دانسته فوراً از در بیرون رفت و هفت مرتبه فریاد یا صاحب الزمان کشید یکی از دشمنان را که بعضی از اصحاب را بقتل رسانده بود مورد هجوم خود قرار داد و دست او را با شمشیر قطع کرد و با نهایت خشم و غضب می گفت چرا اسلام را بدنام کرده اید اگر راست می گوئید چرا با کمال ذلت و حقارت از دم شمشیر من فرار میکنید آنگاه بی محابا بسنگرهای دشمن توجه نمود سه سنگر را خراب کرد و نگاهبانان آنها را کشت بسنگر چهارمی که وارد شد او را گلوله باران نمودند بر اثر گلوله برزمین افتاد و جان داد — هیچیک از دشمنان درباره طهارت ذات و پاکی و شجاعت و دیانت و ایمان او شک و شبهه نداشتند زینب درنظر دشمنان زن دهاتی نبود عنوان جمیع فضائل انسانیت بود مجسمه رفتار نیک و مظهر تجلی روح شجاعی بود که جز در ظل دیانت حضرت باب چنین ارواح مقدسه یافت نمیشد رفتارش طوری بود که پس از وفاتش قریب بیست نفر از زنهائیکه او را میشناختند بامر مبارک حضرت باب مؤمن شدند.

*

تاریخ حیات فخر موقنین و مؤمنات سرور مبلغین و مبلغات حضرت میس مارتا روث

بقلم امة الله بهیه خانم نادری

دربین احبای عزیز ایران کمتر کسی است که بملاقات میس مارتا روث نائل نشده و یا لااقل نام ایشانرا نشنیده باشد و از القاب عنایت آمیزیکه مولای رؤف و مهربان بپاس خدمات باهره آن "آیت انقطاع" بایشان عنایت و اعطا فرموده اند

اطلاع نداشته باشد ولکن برای اینکه خوانندگان عزیز بیشتر بشرح حال وحسن مآلش مطلع وبرعظمت وجلال مقامش واقف گردند تاریخ حیات وشمه ئی ازخدمات این خادمه آستان کردگار بطور اختصار باستحضار قارئین این سطور میرسد :

میس مارتا روت درسنه ۱۸۷۲ در "اوهایو" یکی ازشهرهای امریکا متولد شده تحصیلات خود را دردانشکده شیکاغو بپایان رسانیده شغلشان تعلیم وتربیت وسپس روزنامه نگاری بوده است

برای اولین بار تصادفاً بملاقات یکی از مسافرین بهائی موفق وازآئین الهی مطلع وتولد ثانویه یافت .

ازآن پس همواره درزمره مؤمنین ودرسلك ثابتین سالك بود درسنه ۱۹۱۲ که حضرت عبدالبهاء ارواحنا لرمسه الاطهر فداء بامریکا مسافرت فرمودند بواسطه ارتباطی که باعالم مطبوعات داشت جلسه ئی ازروزنامه نگاران ترتیب داده قریب چهارصد نفر ازآنان را برای استماع بیانات مبارکه دعوت نمود . امة المحترمه میس مارتا روت اولین نفس مقدسی است که برای اطاعت فرمان قائد جند بهاء حضرت مولی الوری خطاب باحبای امریکا بتبلیغ امر مالك عرش و ثری عاشقانه قیام وعازم ممالك جنوبی امریکا شد درطی این مسافرت چه درموقعیکه درکشتی راکب وچه درموقع سیروحرکتش دربلاد این ممالك پیام الهی را باشوروجذبه روحانی بسمع اهالی وادانی رسانید وچنان موفقیتی دراین سفرفرخنده اثراحراز نمود که ازیراعه مرکز میثاق رب بی انباز باین بیانات عالیات مخاطب ومفتخر گشت (ترجمه)

" حقیقتاً مبشر ملکوت ومنادی میثاق و جانفشانی بجمیع ملل مهربانی وبندری می افشانی که سنین متوالیه هزاران خرمت ازآن برداشته خواهد شد ودرختی می نشانی که تاابد برگ و شکوفه وثمر دهد وسایه اش روزبروز انبساط یابد "

پس ازآن عزم اروپا نمود ودرنقاط مختلفه آن قاره وسیعه بتبلیغ وتبشیر امرمالك بریه مشغول گردید تاآنکه درژانویه سنه ۱۹۲۶ بانهایت انجذاب وانقطاع وقلبی مملو ازمحبت مالك ایجاد واختراع قصد ابلاغ کلمه رحمن بملکه دل شکسته رومان نمود وشرحی مختصر ومفید " چنین بنظر میرسد که زندگانی ملوکانه برحسب این تعلیمات الهیه باشد " بضمیمه کتاب بهاءالله وعصر جدید برای علیاحضرت ملکه نیك اختر ارسال نمود این تاجدار نامدار پس از مطالعه آن کتاب ارجمند اربحدی مجذوب و مفتون مطالب دلنشین وتعالیم مبارکه آئین نازنین گشت که بامداد آن فرشته نیك نهاد را بقصر ملوکانه خواند وازتعالیم نافذه الهی مستفسر شد وجوابهای کافیه وافیه شنید پس ازآن چنان شیفته ودلداده تعالیم مبارکه شد که طی اعلانات متتابعه بی پرده وحجاب اقبال وایمان خود را بشریعت رب الارباب اظهار وابراز نمود مولای توانا حضرت ولی امرالله ارواحنا لعنایاته الفداء راجع باین موضوع چنین میفرمایند قوله الاحلی :

"کنیزی ازکنیزان جمال ابهی روحی لاد نسی عبد من عبیده الفداء با بضاعتی مزجاة ومزاجی علیل بی مساعد ودلیلی بحزم وانقطاعی بی نظیر و مثیل ببلاد بلغار وصقلاب بشتافت تاآنچه را کلك میثاق سی سال قبل بآن بشارت داده وفئه ضاله ناقضین تخیلات واهیه انگاشته مظاهر اولیه اش ازافق آنسامان متلألأ وپدیدار گردد چون کره نارآن منادی امرکردگار درآن اقلیم پراسرار برافروخت ونداء بمالك ومملوك درآن دیار زد حشمت سلیمانی آن مورضعیف رااز حضور

واثبات وجود در پیشگاه سریر سلطانی منع ننمود وابهت وجلال ملوکانه آن آواره دیار را از بیان واتیان برهان باز نداشت ام الکتاب را بر وجه علیاحضرت ملکه بگشود وحقائق آئین بها را بدون خوف وکتمان تبیین وتشریح کرد ...»

پس از آن چندین بار با این ملکه فرخنده مآل نیک خصال ملاقات نمود ودر هر حال بآن دلداده امر حضرت ذوالجلال از شروط دلدادگی سخنها گفت وبکمال مهارت گوهر معانی سفت . این پیک رحمن تنها باآن ملکه زمان ملاقات نکرد بلکه همواره شهباز اقداماتش متوجه قصر شاهان وکاخ بزرگان بود . در طی مسافرت هائیکه سالیان دراز این برانگیخته خدا وند بین ممالک مختلفه یوگوسلاوی ـ چکوسلواکی آلمان ـ بلژیک ـ سویس ـ ورشو ـ اطریش هنگری ـ آلبانی ـ ترکیه ـ قسطنطنیه بالسیك ـ مصر ـ فلسطین نمود با عده بسیاری از سلاطین ورؤسای جمهور وبزرگان ورجال ملاقات نمود از جمله ازیاد شاه وملکه یوگوسلاوی ـ رئیس جمهور چکوسلواکی ـ رئیس جمهور اطریش پادشاه آلبانی ـ توفیق رشدی بیك ـ وزیر امور خارجه ترکیه و عده از رجال وبزرگان آن مملکت ـ شاهزاده محمد علی پاشا ولیعهد مصر دیدن نمود ودر هر مورد منظور ومقصودی جز ابلاغ امر معبود نداشت حاکم اورشلیم بوسیله ایشان از ظهور الهی اطلاع حاصل نمود .

چند جلد کتب امری برای هندنبرگ رئیس جمهور آلمان فرستاد وبدریافت تقدیرنامه از او موفق شد . در چند کنگره بین المللی در بلژیك شرکت نمود در جلسات جامعه ملل در سویس حضور یافت ودر اقدامات مقدماتی تشکیل کنگره ادیان عالم شرکت نمود در کنگره بین المللی تعلیم وتربیت در ژنو حاضر شد در هر محل و مورد ی خطابات مهیجه راجع بآئین جدید ایراد ودر دانشکده ها وراد یوها ومجامع مختلفه برحسب ایجاب موقعیت طی نطقهای مؤثر خود ظهور جدید را باطلاع مستمعین میرسانید وسائل ترجمه وطبع کتاب بهاءالله و عصر جدید را بچندین زبان فراهم نمود خلاصه در هر نقطه بذری افشاند ودر هر محلی اثری جا ودان بیادگار گذاشت این « شمع شبستان » الهی اقتباس انوار از شمس حقیقت نمود وپرتو بر جهان بشریت افکند .

پس از احراز موفقیت های بسیار احرام کعبه مقصود بست وعزم کوی معبود نمود مدت یکماه مشام جانش از فیض تشرف بحضور محبوب عالمیان مهتز وروانش از ملاقات آن شمس تابان بهره فراوان برد قوتی شدید یافت وحرکتی جدید آغاز نمود به دمشق وبغداد رفت در بغداد باملك فیصل ملاقات نموده اهمیت بغداد را گوشزد او ورا به فیصل دادن عادلانه موضوع بیت مبارك متوجه ومعطوف ساخت سپس عازم ایران شد در ایران علاوه بر کنفرانسها ونطقهای پرحلاوت وسیر و حرکت در بلاد مختلفه این مملکت در شرح احوال حضرت طاهره مطالعه دقیق نموده کتابی در این باره بنگاشت پس از آن بامریکا مراجعت نموده چنانکه رویه او بود در ظرف مدت ۹ ماه اقامت خود باد ای خطابات ودادن کنفرانسهای متعدد در مجامع ودانشکده های مهم امریکا پرداخت مجددا باروپا مسافرت فرموده در ممالک مختلفه کرهٔ اخری سائر گردید در انجمن خلع سلاح مدت سه ماه شرکت داشت در چکوسلواکی مقدمات ترجمه وچاپ کتاب مستطاب ایقان و کلمات مکنونه وکتاب بهاءالله و عصر جدید را به زبان چکی فراهم نمود . در پاریس در انجمن بین المللی اسپرانتو حضور یافت . در این سفر

اروپا نیز مجدداً با ملکه رومانیا و ملکه یوگوسلاوی و شاهزاده آلفا و همچنین شاهزاده خانم الگا و خواهرهای ایشان یعنی شاهزاده خانم الیزابت و شاهزاده خانم مارینای یونانی ملاقات نمود .

وسائل ترجمه و طبع کتاب بهاءالله و عصر جدید را بچند زبان دیگر فراهم نمود و در بسیاری از مجامع و دانشکده ها راجع بامر بهائی کنفرانس ها داد در نتیجه جرائد اروپا مقالات متعدده درباره امر الهی انتشار دادند وصیت امرالله به سمع وضیع و شریف رسید . پس از آن عازم ارض سر (ادرنه) گشت اماکن متبرکه آن مدینه را زیارت نموده عکسهائی از آنها برداشت و از حاکم ادرنه نیز ملاقات نمود . بسوئد و نروژ و دانمارک مسافرت نمود در استکهلم در انجمن اسپرانتو شرکت نمود با اعلیحضرت هاکن پادشاه دانمارک ملاقات نمود . سپس بایسلند مسافرت کرد بوسیله رادیو پیام الهی را بسمع اهالی آن دیار رسانید جرائد و مطبوعات ایسلند مقالات متعدده راجع بظهور مبارک منتشر کردند پس از آن به فنلاند و سپس باروپای مرکزی مراجعت و با ادوارد بنش رئیس جمهور تازه چکسلواکی ملاقات کرد .

باری این امه موقنه چون پروانه طائف حول امرالهی بود بی پروا بآتش میزد و سوختن و جان باختن در راه محبوب را از هر نعمتی برتر و بهتر میدانست با اینکه شمع وجودش رو به خاموشی میرفت و صحتش مختل گشته بود کماکان بانجام خدمات مشغول بود و آنی راحت و آسایش نداشت تا اینکه در اواسط سال ۱۹۳۶ مولای توانا حضرت ولی امرالله ارواحنا لعنایته الفداء تلغرافیا او را بمراجعت و استراحت در امریکا امر فرمودند با مزاجی ضعیف و جسمی نحیف برای امتثال امر مولای شریف بامریکا مراجعت نمود ولی در امریکا نیز به ادای خطابات و ملاقات احباء در نقاط مختلفه مشغول بود ـ شعله عشقی که در نهادش برافروخته بود مانع از این بود که آن "کره نار" آرام گیرد و راحت و آسایش نماید .

غرقه دردریای عشقش کی نظر دارد بساحل
اوبجان مشتاق موج است وز ساحل عار دارد

پس از اندکی بهبودی مجدداً برای ابلاغ کلمة الله عازم مسافرت بشرق اقصی گردید به هونولولو و ژاپون و شانگهای و مانیل و سیلان و هندوستان و برمه با نهایت انقطاع مسافرت و در هر موقع بمناسبت حال نطقهای جامعی در مجامع و معابد مختلفه بیان و همه را از ابلاغ ندای محبوب عالمیان غرق اعجاب و تحسین فراوان مینمود . اقدامات فوق العاده این سرور مبلغین و مبلغات در نقاط مختلفه هندوستان بمراتب درخشانتر از خدمات سابقه اش بود پروفسورها و دانشجویان و علما و دانشمندان از بیانات و خطابات مؤثر و مهیجه اش بهره و نصیبی وافر بردند .

جمله "مارثا روت تمام هندوستان را برای ما فتح نمود" ضمن شرح موثری که راجع بخدمات باهره میس مارثا روت در هندوستان از محفل مقدس روحانی هند و برمه بمحفل مقدس روحانی امریکا نوشته شده جلب توجه هر خواننده نیرا مینماید .

پس از مدتی میس مارثا روت به بمبئی مراجعت و از آنجا باسترالیا حرکت نموده پس از ملاقات احباء و ایراد کنفرانسها عازم امریکا گردید ولی در بین راه در هونولولو بعلت عارضه کسالت و ضعف فوق العاده مجبور با قامت گردیده پس از چند ماه بیماری و کسالت در فوریه ۱۹۳۹ در حالیکه ۶۷ سال از عمرش میگذشت و پس از آنکه ۲۰ سال تمام شب و روز به تبلیغ و تبشیر امرالله

مشغول ودربلاد مختلفه عالم درسیروحرکت بود طائرروحش ازقفس تن آزاد گشته بملکوت جاودان یزدان صعود نمود • سراسرحیات روحانی پرافتخارش مصداق ومظهرآخرین وصایای حضرت عبدالبهاء ارواحنالرمسه الاطهرفدا بود • دقیقهء آرام نیافت وآنی آسایش نخواست آوارهٔ بلاد شد وسرگشته هردیارگشت موفق به انجام "شرط وفا" وقیام به "مقتضای عبودیت آستان بها" گردید •

آرامگاه ابدی این "قره عیون اهل بهاء" درگلستان جاوید هنولولوبنحوی بسیارزیبا تحت نظرمحفل مقدس روحانی هنولولوساخته شده ودرنهایت سکوت وآرامی درس فداکاری وجانبازی به ناظرین وزائرین مرقد مطهرآن روح پاك وگوهرتابناك میدهد •

مولای تواناحضرت ولی امرالله ارواحنالعواطفه الفداء درتلگرافی که بمناسبت صعود این طائرقدس بآشیان واقعی بافتخاراحبای ایران عزنزول یافته باین بیانات عالیات ناطق : قوله عزبیانه :

" الورقة الزکیه المبلغة الشهیره آیة الانقطاع مشعل الحب والوداد مثال الشجاعة والوفاء قرة عیون اهل البهاء مارتاروت قد صعد الی اعلی رفارف الخلد استقبلها اهل الملاء الاعلی بنداء مرحی بك یافخرالمبلغین والمبلغات احسنت احسنت یامن انفقت بکلیتك انجذابا الی ملکوت رب الایات البینات طوبی الف طوبی لك من هذا المقام المشعشع المتعالی الباذخ المنیع بلغواعموم الاحباء لزومیة انعقاد اجتماعات خصوصیة فی عموم الولایات مدة اسبوعین کاملین اعزازالمقامها الکریم •

شوقی ربانی "

*

چند اندرزصحی بمادران برای تربیت کودکان

بقلم دانشمند محترم جناب فروتن

درزمان ماتربیت فقط عبارت ازفراگرفتن آداب قرائت وکتابت نبوده بلکه پرورش تمام قوای جسمی وروحی کودکان است تادرپرتومراقبت ومواظبت مربیان وآموزگاران اطفال ما دارای بدن سالم و عقل سلیم گردند وبرای زندگانی در دنیای کنونی که واقعا شرائط حیات غیرازایام گذشته است آماده ومهیا شوند ودستخوش ناملایمات وحوادث وآفات نگردند ملل راقیه دنیا دراینموضوع اقدامات مجدانه ومساعی جمیله مبذول داشته ومیدارند وشب وروزدرتهیه وسائل وموجبات حفظ صحت وتندرستی نوباوگان وجوانان میکوشند زیرااعتقادراسخ دارند که جامعه قوی ونیرومند مرکب ازافراددانا و توانا ودانشمندخواهد بود واگرافراد جامعه سالم وهوشمند و عالم نباشند آن جامعه محکوم بفناخواهدگردید •

اطفالیکه بموجب اصول وقوانین صحی از کودکی پرورش نیابند همیشه گرفتارانواع ناخوشیها بوده وسلسله اعصابشان قدرت تحمل بارتحصیل فضائل وکمالات را نخواهد داشت علمامعتقدندکه اگراطفال ازورزش وحرکت ونور آفتاب وهوای آزاد و غذای مفید ومسکن صحی محروم مانند ووقت کافی برای استراحت نداشته باشند قادربکسب کمالات معنوی نیزنخواهند بودلهذا اندرزهای ذیلرا بمادران داده اند که درباره کودکانشان رعایت نمایند :

اول — رعایت شرائط نظافت این مسئله امروزبثبوت رسیده که ذراتی غیرمرئی درهواکه

نزد علما بباکتری موسومند همواره بفراوانی موجود
این ذرات ناپید امنشاء اغلب ناخوشیها بوده
وهستند ودرسطح هرشیئی که باهواتماس نماید
ازقبیل لباس ــ کتاب ــ کاغذ ــ خوراك وسایر
چیزهاازاین حیوانات ذره بینی یافت میشود
باکتری بسرعت محیرالعقولی تکثیرمیگردد وقادر
بتحمل حرارت وبرودت فوق العاده است ٠
لهذا برای رهائی ازشراین ذرات موذیمه باید
قبل ازهمه چیزاطفال رابرعایت نظافت عادت
داد :

اولا ــ هرطفلی درخانه باید دارای حوله
جداگانه باشد ٠

ثانیا ــ هرکودکی درمنزل باید ظرف آبش
علیحده باشد ٠

ثالثا ــ قبل ازغذا حتما باید دست خود را
باصابون وآب پاك بشوید ٠

رابعا ــ درتمیزنگهداشتن لباس وپوشاك
نهایت سعی رابنمایند علاوه براین مادران
مهربان باید بقدریکه ازدستشان برمیآید در
حدود وسع واستطاعتشان درتمیزنگهداشتن
رختخواب ولباس اطفال بکوشند وازبردن آنان
بحمام لااقل هفته یکمرتبه کوتاهی ننمایند ٠

دوم ــ محافظه چشم کودکان ــ برای
محافظه نوردیده باید اطفال اندرزهای ذیل
رابکاربندند : دیدگان خود راحفظ کنید
۱ــ چشمهای شماگرانبهاترازکتاب است
۲ــ ترقیات شما درزندگانی بسته بصحت
چشمان شمااست ٠ ازآنهامحافظت کنید
۳ــ دروقت خواندن سرتان راراست بگیرید
۴ــ کتاب راهنگام مطالعه دورازصورتتان
نگهدارید ٠
۵ــ مواظب باشیدکه دروقت خواندن نور
باندازه کافی باشد ٠

٦ ــ وقتی روشنائی کم است نخوانید
۷ــ وقتیکه آفتاب مستقیما بکتاب میتابد ازخواندن
خود داری کنید ٠
۸ ــ دروقت خواندن چشمتان رابنورندوزید ٠
۹ــ نورباید ازشانه چپ ویاازپشت سرشما بتابد
۱۰ــ کتابهائیراکه خوب ازچاپ درنیامده
نخوانید ٠
۱۱ــ بگذاریدچشمهاتان بعد ازچند وقتی
استراحت نماید ٠
۱۲ــ چشمهاتانراهرصبح باآب پاك بشوئید
مــادران عزیزمیتوانندداین عبارات راروی ــ
لوحه ئی مرقوم ومندرجات آنرا همواره بکودکانشان
یاد آوری نمایند ٠

سوم ــ محافظت دندانها ــ برای حفظ
دندانهاازفساد که درصحت انسان تاثیر
فراوان داشته ودارد باید اطفال بنکات ذیل
پیوسته توجه نمایند :
۱ــ دندانهای پاك وتمیزکمترمیپوسند ٠
۲ــ دندانهای پوسیده وخراب بانسان بی
اندازه زحمت میدهند ٠
۳ــ خوراك اگربین دندانهاباقی بماند میپوسد
٤ــ دندانهای ناتمیزبطورکلی شبها میپوسند
٥ــ ابتداء دندانهای خودرا بخوبی بامسواك
بشوی وبعد آهنگ خواب کن بعد ازبیدارشدن
دندانها شست وشوی ده
٦ ــ مسواك راپاك نگهدار وهرگزمسواك دیگری
رااستعمال مکن ٠
۷ــ مسواك کوچك استعمال کن ودندانها راباگرد
ها وخمیرهای صحی بشوی
۸ ــ غذا راآهسته بخوروخوب نرم بجو
۹ــ دندانهای خراب رابایدازدهان دور
ساخت ٠
۱۰ــ بادندانهاچیزهای سخت رامشکن

چهارم – بسر بردن در هوای آزاد وتفریح وبازی کانون (میکروئورگانیسمها) یاحیوانات ذره بینی نه علت پیدایش اقلب امراضند هوای کثیف وپر گرد وخاک است اطاقهای کم هوانیزمکان بسیار مناسبی برای پرورش این ذرات بوده وهست اطفالیکه درهوای گرفته وکثیف زندگانی مینمایند غالبا بمرض مهلک سل مبتلا میباشند لذا هرقدر کودکان بیشتر در هوای آزاد بسر برند وببازی وتفریح مشغول گردند بهمان اندازه بصحت خود خدمت نموده اند درممالک متمدنه ازطرف حکومت محلهای مخصوصی برای بازی اطفال تعیین گردیده ودربعضی ازکشورها وسعت برخی ازاین زمینهای بازی به پنجاه ویک هزار مترمربع بالغ میباشد •

هوای آزاد درصحت اطفال بسیارموثر است ومادران عزیزباید ازاین نعمت خدادادی کمال استفاده رابنمایند •

این بود چند اندرزصحی که تذکرآن بمادران بنظراینجانب لازم میآمد • امیدوارم والدین محترم باکمال مراقبت صحت کودکان عزیزخود را محافظت نمایند

——— * ———

نقل ازمجموعه " شهادت مستشرقین راجع بدیانت بهائی "

بقلم میس هلن کلــــــر

فلسفه حضرت بهاءالله بسیارقابل دقت وتاءمل است وشایان آنکه بهترین افکارد رسبیل تحصیل آن مبذول شود کتاب ارسالی راایلک اعاده میدهم شاید نفوس بی بصیرت دیگرکه بیش ازمن فرصت دارند بنورهدایت الهی فائز

———

ی

شده چشم بصیرت بازکنند وقلوب بماءمحبت سرمد طاهرگردد •

موقع رامغتنم دانسته بسیارممنون ومتشکرم که ازراه لطف ومحبت مرایاد نمودید وبفیوضات کلیه که ممکن نیست ولوازمطالعه سطحی زندگانی حضرت بهاءالله ازبرای نفوس حاصل شود فائز گردانده درایام حیات چه موضوعی ازبرای انسان اشرف وچه مقصودی اعلی ازفلاح عالم ومسرت امم " است پیام صلح اعظم یقینا درجهان نفوذ خواهد کرد وبیهوده است مساعی وتشبثات نفوسیکه برعلیه این افکارقیام کنند زیرا این تعالیم قادراست درظل خود آسمان وزمینی جدید خلق نماید ونوع انسان رابانشاطی بدیع وهمت و استقامتی روحانی بخدمت من علی الارض مبعوث کنند •

——— * ———

مسافرت اعضای لجنه ملی ترقی نسوان بنقاط مختلفه

اخیراامة الله نادره خانم نبیل اکبرعلیها بهاءالله بصفحات تبریز – رضائیه – اردبیل بندرپهلوی – رشت وجناب علی اکبرفروتن علیه بهاءالله بقزوین – وامة الله طوبی خانم صمدانی علیها بهاءالله بقزوین وزنجان وابهروامة الله محترم خانم نیکوبین علیها بهاءالله باصفهان بنمایندگی ازاین لجنه مسافرت فرموده وضع پیشرفت اماءالرحمن آنصفحات واجرای نقشه چهارساله ترقی نسوان راازنزدیک مشاهده و راهنمائی های فکری بلجنه های ترقی نسوان نقاط مزبوره فرموده درمراجعت بامژده مسرت بخش پیشرفت وترقی اماءالرحمن عزیزآنمراکز موجبات فرح وسرورحبوراعضای لجنه ملی ترقی نسوان رابیش ازپیش فراهم فرموده •

این لجنه امیدوار است همواره حضرات اماءالرحمن واحبای عزیز طهران بنقاط مختلفه ایران مسافرتهای تشویقی فرموده واماءالرحمن عزیز ایران راباجرای نقشه چهارساله ترقی نسوان واتمام و انجام آن تشویق و ترغیب فرموده لجنه ملی ترقی نسوان راقرین امتنان ومساعدتهای خود فرمایند ٠

——— * ———

اثرطبع جناب بلبل معانی علیه بهاءالله

زن دراختران فروزان بود — که درآسمان دل وجان بود
اگر روح زن را تفحص کنی — هزاران لطائف نمایان بود
اگر زن گشاید به پرواز بال — ز پرواز او مرد حیران بود
محبت که سرمنشاء خلقت است — بنزدیک نسوان فراوان بود
زن است آنکه مانند سرو روان — بگلزار عصمت خرامان بود
زنست آنکه گرجان نماید فدا — وفادار برعهد وپیمان بود
زنست آنکه درآسمان وجود — چو بدر درخشنده تابان بود
توای زن بزن گوی واسبی بران — که پشت وپناه تورحمان بود
جمال بها داده آزادیت — بها مظهر فضل سبحان بود
چه کس را بود جرئت لا ولم — درآنجا که فرمان یزدان بود
یقین دان که ازمرد کمتر نه ای — دراینجا نه حاجت به برهان بود
اگرمرد را قوت تن بود — ترا هم توانائی جان بود
ترا بیش ازمرد رحم است ومهر — دلت درلطافت گلستان بود
بنزد خدا نیست مرد وزنی — بزرگی بایمان و عرفان بود
اگر زن ترقی کند درجهان — ترقی عالم دوچندان بود
زنان رازمان طرب دررسید — چو شوقی ممتاز سلطان بود
معطر بود گلشن روح ما — چو زلفین وی عنبرافشان بود
بجز فتنه اش درجهان فتنه نیست — که آن نرگس مست فتان بود

بنعت کنیزان باب بهاء
معانی بلبل غزلخوان بود

×××××

ازشاعرجوان جناب بلبل معانی متمنی است درشماره های آینده نیزقارئین محترم مجله "ترانه امید" راازاشعارشیوای خود مستفید فرمایند ٠

——— * ———

عالم محتاج به محبت است

بقلم امة الله بهجت خانم مخلص

جمال قدم جل ذکره الاعظم قریب به یك قرن پیش کافه امم واهل عالم را به دریاق اعظم محبت ویگانگی توصیه فرموده بصریح بیان میفرمایند قوله الاحلی
"ای اهل عالم سراپرده یگانگی بلند شده بچشم بیگانگان یکدیگررا مبینید همه بار یکدارید وبرگ یك شاخسار" دراثرنفوذ معنوی این بیان مبارك وهزاران بیانات وتعالیم مقدسه دیگرکه کل کافل سعادت وفلاح عالم انسانی است محققین ومتفکرین جامعه بشری امروزه کم وبیش باین حقیقت واقف گردیده اند که علت همه گرفتاریهای آنها فقدان محبت واتفاق و وجود عداوت ونفاق است وبرای رهائی ازاین مخمصه خود را با ستقراریکنوع محبت حقیقی و صمیمی درعالم کاملا محتاج می بینند • امرسون فیلسوف شهیرامریکائی میگوید یك ایمان ومحبت ما را ازبارگران بسی نگرانیها آزاد خواهد ساخت جلوه وظهوراین محبت حقیقی و عمومی درعرصه شهود محققا مستلزم فراهم ساختن لوازم اصلیه ومقدمات لازمه است •

یکی ازلوازم اصلیه این امرمهم ایجاد محبت واقعی دربین افرادخانواده است زیراتا افراد جامعه مفهوم محبت را درداخله عائله خود به مرحله عمل نگذارند تصورآنکه بتوانند محب عالم انسانی باشند خطا ومحال است بعبارة اخری این محبت باید ابتداء ازخانواده که کوچکترین وموثرترین واحد اجتماع است شروع شده سیر تکاملی خود را درجوامع بزرگتر پیموده بسرحد کمال یعنی محبت عالم منتهی گردد •

یکی ازحقایق مسلمه که روانشناسان عصر حاضردریافته انداین است که اطفال برای رشد جسمانی وروحانی خویش احتیاج شدید به محبت دارند اطفالیکه درحساس ترین ایام زندگی یعنی دوران کودکی درخانواده ای رشد نمایند که پیوسته دستخوش نفاق والدین باشند و عملا مفهوم کلمه محبت را خالی ازحقیقت ببینند همیشه ازاین فقدان محبت رنجورند ومحال است بتوانند واقعا مردمی نوع دوست ومحب عالم انسانی گردند پس واضح شد که کاخ رفیع محبت برشالوده واساس محبت خانواده بنا شده ومسلما افراد اهل بهاء باید سرمشق سایرین باشند • درخاتمه نبذه' ازبیانات مقدسه حضرت عبدالبهاء ارواحنا لرمسه الاطهرفداء زینت بخش این مقاله میشود "لیکون ختامه مسك" -

قوله عزبیانه :

"پس باید اهل بهاء چون رابطه ازدواج به میان آید اتحاد حقیقی وارتباط معنوی واجتماع روحانی وجسمانی باشد تا درجمیع مراتب وجود ودرجمیع عوالم الهی این وحدت ابدی گردد زیرا این وحدت حقیقی جلوه' ازمحبت الله است"

وایضا میفرمایند قوله عزبیانه :

"حقیقت الوهیت برجمیع کائنات به محبت طلوع نموده زیرا محبت اعظم فیض الهی است مصدر ایجاد محبت است اگرمحبت الهی نبود هیچ کائنی بساحت وجود قدم نمی نهاد واز فیض الهی است که درجمیع کائنات محبت و الفت است انتهی"

*

خواستن ـ توانستن است

بقلم امة الله انیسه خانم اقبال

حضرت عبدالبهاء ارواحنا لرمسه الاطهر فداء میفرمایند "عالم نساء در این دوره از فیوضات جمال ابهی در جوش وخروش است و از صهبای الطاف مست ومدهوش وروز بروز در ترقی است عنقریب ملاحظه مینمائید که در بین نساء نفوسی چنان منجذب مبعوث شوند که سبب حیرت گردند شمع روشن شوند وناطق بحجج وبرهان رب ذوالمنن گردند این کفایت است"

وهمچنین حضرت ولی امرالله ارواحنا لعنایاته الفداء میفرماید "امر ترقی نساء وتشویق حضرات اماء الرحمن در تحصیلات مادی ومعنوی وخدمت بامرالله وتعاون وتعاضدشان با حضرات رجال در تحکیم وتقدم امرالله در این دور اعظم عموما ودر این اوقات خصوصا از امور اساسیه محسوب"

ملاحظه کنید دیانت مقدس بهائی چه مقام شامخی از برای زن معین کرده وچقدر درباره ترقی وپیشرفت نساء تاکید میفرمایند البته "این قرن قرن ترقی وتعالی نساء است" اماء رحمانی باید قدر این موهبت را بدانند که در چنین جامعه بسر میبرند وبر ما اماء الرحمن است که با زحمت وسعی واکتساب کمالات وفضائل ترقی نمائیم — ما که از فضل جمال مبارک مشمول این الطاف وعنایات الهی قرار گرفته ایم باید قدر بدانیم وبشکرانه این فضل اعظم قیام کنیم ودر عرصه عالم جاهد اطمینانا قدم گذارده سعی وکوشش وجدیت را شعار خود قرار دهیم زیرا جدیت — پافشاری — پایداری — استقامت — کوشش و — بردباری کوهها را با خاک یکسان مینماید سعی وکوشش هر ناتوانی را توانا وهر مغلوبی را غالب میگرداند — هر ضعیفی را قوی وهر فقیری را غنی میکند کسیکه در دوره زندگانی ساعی وجاهد باشد و از سعی وعمل خسته وکسل نگردد در هرکاری موفق ومسلط است خداوند کریم در قرآن مجید میفرماید: "لیس للانسان الا ما سعی"

آنهائیکه نامشان در ردیف نام بزرگان قرار گرفته ومقام بزرگی را چه در حیات وچه در ممات دارا بوده وهستند آیا جز در نتیجه سعی وکوشش وزحمت بوده است؟ بنا براین اگر اماء الرحمن ایران سعی وکوشش نمایند میتوانند بهدف نزدیک شده وبامید تحقق وعود حتمیه الهیه ونوایای مقدسه متعالیه ومشمول تأییدات متتابعه غیبیه خدمات شایانی را انجام دهند. البته سعی وکوشش مستلزم رعایت نظم وترتیب در امور زندگی میباشد وباید باعمال وافعال ابرار استعداد وکمال کنیم وبسخنهای گزاف وبیفائده وقت خود را تنگ رانیم. چه بسا از اشخاصیکه بواسطه عدم دقت ونظم در امور زندگی بعد از داشتن وقت شکوه وشکایت مینمایند وهمچنین تلقین بنفس مانع وصول بمقصد شده وآنانرا از نیل بمقاصد وآرزوهای خود محروم میسازد در صورتیکه با اندکی فکر وتعمق میتوانیم برنامه صحیح ومنظمی برای زندگی خود ترتیب داده علاوه براینکه خانه را مهد آسایش قرار دهیم بوظائف وجدانی خود که خدمت بعالم انسانی است قیام نمائیم.

نسوان بهائی که در ظل نظم بدیع جهان آرای الهی تربیت یافته اند یقینا با تبعیت از تعالیم ودستورات مبارکه وسعی وکوشش میتوانند خدماتی شایسته بعالم انسانی نموده جوانانی لایق بجامعه تحویل دهند.

——— * ———

مسابقه

بچه وسیله بهترمیتوان ازفصل وافتراق جلوگیری کرد ؟

ازخوانندگان عزیزعلی الخصوص حضرات اماء الرحمن متمنی است (منتهی تاآخرآذرماه ۲۹) در این باره مقالاتی مرقوم وباین لجنه ارسال فرمایند . به نویسنده بهترین مقاله طبق تشخیص لجنه ملی ترقی نسوان یکسال مجله "ترانه امید" تقدیم خواهد شد .

--- * ---

اعلان

لجنه ملی ترقی نسوان ازعموم دانشمندان بهائی وصاحبان قلم تمنی دارد مقالات سودمند در مواضیع مختلفه امری مخصوصا آنچه برای ترقی وپیشرفت جامعه اماء الرحمن عزیزایران بیشترمفید وموثرباشد مرقوم وباین لجنه ارسال فرمایند تا پس ازتصویب درمجله "ترانه امید" درج گردد .

--- * ---

ازقارئین محترم متمنی است درشماره های ۱ و۲ نشریه سال سوم اغلاط ذیلراتصحیح فرمایند :

نشریه ۱	صفحه	سطر	ستون	غلط	صحیح
	۹	۱	—	گرگان	کرمان
	۱۸	۳	—	اخترالملوک	نصرت الملوک
	۲۱	۹	—	*	*
نشریه ۲					
	۱۲	۱	۱	آمریک	ایران
	۸	۱۷	۲	ملی ترقی نسوان	ترقی نسوان طهران
	۱۴	۲۵	۱	مظموم	مذموم
	۱۰	۱۹	۲	دانش	ذاتش
	۱۵	۲۰	۲	بیش	پیش
	۱۶	۲	۱	دری زدرات	ذری زدرات

--- * ---

لجنه ملی ترقی نسوان